

سالی برای تقویت عقلانیت

مربی، در شکفتگی دانش آموزانش به ثمر می‌نشیند. آغاز چنین سالی بر شما مبارک باد. مبارک باد بهار جنبش خاک وجود کودکان و نوجوانان این سرزمین و شکوفه زدن و به بار نشستن میوه‌های رنگارنگ استعدادها، توانمندی‌ها، مهارت‌ها، سازگاری‌ها، همکاری‌ها، سلامت‌ها، پویایی‌ها، بودن‌ها، زیستن‌ها و صبر کردن‌ها. مبارک باد آغاز کار در بهار پاییز؛ مبارک باد سپری شدن سرمای افسرده‌ساز تابستان؛ مبارک باد آغاز کشت و کار باغبانان وجود، از پس سه ماه سرد بی‌حاصلی؛ مبارک باد بیداری چشمان عقل و دل و به تماشا نشستن شکوفه‌های زیبای استعدادها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های دانش آموزان.

در این عرصه بازگشوده، یکی از نگرانی‌های هر انسان مسئولی، محافظت از دانش آموزان در مقابل آسیب‌های جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی است. هر مسئولی در وهله نخست، باید محافظت از جسم و جان دانش آموزان را مد نظر قرار دهد. رعایت بهداشت در همه زمینه‌ها از جمله دستشویی‌ها، آب‌خوری‌ها، بوفه مدارس و دست‌فروشان و مغازه‌های اطراف مدرسه و نیز نحوه نگاه‌داری غذاها و خوراکی‌هایی که دانش آموزان با خود به مدرسه می‌آورند و بسیاری نکات دیگر؛ این‌ها همه باید مورد توجه مربیان، به ویژه مشاوران باشد. برای دانش آموزانی که از سرویس ایاب و ذهاب استفاده می‌کنند، توجه به

آغاز سال تحصیلی، برای معلمان و مربیان دل‌آگاه، دل‌سوز، هدف‌مند، هویت‌یافته، کاردان، پویا و کمال‌جو، باز شدن یکی از مهم‌ترین عرصه‌های زندگی است. انسانی که می‌خواهد عمرش را زندگی کند، نه سپری. در واقع می‌خواهد انسانیت و کمال را در خود محقق کند، نه کسب؛ می‌خواهد خود را به خود و خدای خود اثبات کند، نه به دیگران؛ و مدرسه یکی از پربارترین عرصه‌های تحقق این کمال است. در مدرسه باید زندگی کرد، باید نفس کشید، باید صبر کرد و دگرگون شد؛ باید تپید. مربی بودن یک شغل نیست، نوعی بودن است؛ اثبات خود در عرصه یک کار نیست، گشودگی برای پذیرش و شکفتن‌هاست. معلمان و مربیان نمی‌خواهند تأیید شده و پذیرفته شوند، بلکه به حدی از کمال رسیده‌اند و آغوش باز کرده‌اند تا شکفتگی، بالیدگی، تمدن، پاکیزگی، زیبایی،

خضوع و بندگی را در دانش‌آموزانشان تحقق بخشند و آن را با تمام وجود تأیید کنند و پذیرا باشند. تحقق انسانیت یک معلم و

ایمنی جسمانی، اخلاقی و روانی حاکم بر سرویس‌ها می‌باید مورد توجه مسئولین مدرسه و در عین حال مورد توجه مشاوران باشد. خبرهای ناگواری که همه‌ساله از حوادث رانندگی برای دانش‌آموزان و معلمان، به هنگام آمد و شد به مدارس، به گوش می‌رسد ما را نسبت به رعایت نکات ایمنی در رفت و آمد آنان حساس‌تر می‌کند.

توجه به سلامت روان معلمان و دانش‌آموزان نیز، از جمله وظایف مهم مشاوران به شمار می‌آید. فضای روانی مدرسه باید به گونه‌ای مدیریت شود که آسیب‌های روانی به حداقل ممکن خود تقلیل پیدا کند. توجه به فضای ارتباطی بین دانش‌آموزان و کنترل روابط احتمالی زورگویانه، تحقیرآمیز، تمسخرآمیز، طردکننده و ناملاپم، نباید از نگاه تیزبین مربی و مشاور به دور باشد. فضای پذیرش متقابل، همکاری، هم‌حسی، مشارکت و یادگیری‌های جمعی، می‌تواند فضای ارتباطی آسیب‌زا را تبدیل به فضای ارتباطی سالم کند. توجه به فضای روانی حاکم بر خانواده دانش‌آموزان و پشتیبانی‌های لازم برای مواجه شدن با کاستی‌های خانوادگی آنان نیز از وظایف انسانی مشاوران است. توجه به نقاط ضعف روانی هر دانش‌آموز و آسیب‌پذیری او از آن نقاط، نباید از نظر مشاور دور باشد. وجود زمینه‌های برخی از بیماری‌های روانی در خانواده، از جمله شیذوفرنی، وسواس، اضطراب و نیز وجود زمینه‌هایی از اعتیاد، خودکشی و بی‌مسئولیتی، نباید از نظر مشاور آگاه دور بماند.

در زمینه آسیب‌های اجتماعی نیز توجه به وجود آمادگی‌های محیطی برای ابتلا به هر یک از آسیب‌ها، اهمیت وافر دارد. آسیب‌های اجتماعی از دیرباز در هر جامعه‌ای وجود داشته و خواهد داشت، لکن امروزه با توجه به رشد سریع فناوری‌های ارتباطی، دیگر محیط‌هایی که هر یک از ما در آن زندگی می‌کنیم، تنها به ما و آدم‌ها و اشیایی که در پیرامون خود می‌بینیم، محدود نمی‌شود و دامنه‌ای به گستردگی تمام دنیا دارد. ما می‌باید خود با چنین فضاهایی آشنا شویم تا به دامنه تأثیر آن بر دانش‌آموزانمان نیز آگاه شویم. برای جلوگیری از آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در فضای ارتباطی واقعی و فضای ارتباطی حاصل از فناوری‌های روز، باید برخی از مهم‌ترین فرایندهای روان‌شناختی آنان را تقویت کنیم؛ از جمله توجه به دو دسته فرایندهای زیر که می‌تواند نقش کنترل‌کنندگی بیشتری داشته باشد:

۱. فرایندهای شناختی: برای مقابله با آسیب‌های گوناگون دانش‌آموزان، در درجه نخست و به‌عنوان یک عامل بنیادی، مربی باید به فرایندهای شناختی، از جمله تفکر و تعقل آنان، به شکل کامل آگاهی داشته باشد. فرایندهای شناختی در شکل کلان خود شامل هرگونه دریافت حسی به‌عنوان درون‌داد، پردازش آن‌ها و در نهایت تولید برون‌داد است. در فرایند نگه‌داری و بازیابی مطالب، درون‌دادها در حافظه ذخیره‌سازی شده و از حافظه فراخوانی می‌شوند. در فرایند تفکر، مطالب با یکدیگر مقایسه شده و ارتباطات آن‌ها کشف و در نتیجه یک محصول جدید تولید می‌شود. به هر حال، این دو سیستم باید فعال، کارآ و بدون عیب کار کنند تا بتوانند برای فرد منشأ موفقیت شوند.

در این میان نقش تعقل، به‌عنوان سطحی از ادراک، حائز اهمیت بسیار است. کار عقل، درک نادیدنی‌هاست؛ دریافت چیزهایی است که به‌طور مستقیم در دسترس حواس نیستند. از همین نقطه است که انسان از حیوان متمایز می‌شود. افتادن سیب از درخت را هر حیوانی می‌بیند ولی وجود قوه جاذبه را تنها عقل می‌تواند دریافت کند. جاذبه، دیدنی نیست بلکه دریافت کردنی به وسیله عقل است. این توانایی انسان، باید به گونه‌ای تقویت شود که به سادگی فریب ظواهر اشیا را نخورد. چشم انسان قاشق چای‌خوری را در استکان، شکسته می‌بیند ولی چشم عقل او آن را سالم دریافت می‌کند.

هر اقدامی که در جهت تقویت دریافت‌های واقعی و غیرحسی انجام گیرد، نوعی تربیت عقلانی است. بسیاری از افراد از به‌کار نرفتن عقل آسیب‌های فراوان می‌خورند. مهربانی ظاهری یک فرد، کودک و نوجوان را فریب داده و او را به دام مجرمین و جنایتکاران می‌اندازد. شناخت نیت واقعی یک فرد از کاری که انجام می‌دهد کار عقل است. برای تمرین در زمینه و تقویت جنبه عقلانی سیستم شناختی، خوب است بر روی شناخت و تحلیل انگیزه‌ها و نیت‌های دیگران کار شود. سؤال‌های زیر، نمونه‌هایی هستند از مواردی که با به‌کار انداختن عقل می‌توان به آن‌ها پاسخ گفت:

– طراحان و اداره‌کنندگان سیستم‌هایی چون واتساپ، تلگرام، توئیتر و موارد مشابه، چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ آیا آنان سود ما را طالبند؟

– مدیران و سرمایه‌گذاران شبکه‌های ماهواره‌ای چه انگیزه‌ای دارند؟ آیا آنان برای خوشبختی و سعادت ما، این همه سرمایه‌گذاری می‌کنند و یا هدفی دیگر دارند؟

– در پس‌مدها چه کسانی قرار دارند؟ مدها از کجا آغاز شده و توسط چه کسانی رواج پیدا می‌کنند؟

– دوستانی که ما را به طرف لذت‌جویی و لذت‌طلبی و دوری از فرهنگ ایرانی و اسلامی و خانواده دعوت می‌کنند، با چه انگیزه‌ای چنین می‌کنند؟ آیا آنان به راستی سود و خیر ما را طالبند؟ این‌ها نمونه‌هایی از سؤال‌هایی است که پاسخ‌گویی به آن‌ها نیازمند به‌کارگیری عقل و درک عمق وقایع و اشیا است. از این‌گونه سؤال‌ها می‌توان بی‌نهایت طرح کرده و از عقل برای پاسخ‌گویی به آن‌ها استفاده کرد.

۲. فرایندهای عاطفی: برای حفاظت از سلامت روانی و اخلاقی دانش‌آموزان، لازم است آنان با تقویت هوش هیجانی، درصدد شناخت هیجان‌های خود و چگونگی مدیریت آن‌ها باشند. در این میان بالا بردن عزت نفس خود و شاکر بودن و مثبت‌اندیشی و توکل به خداوند، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از آسیب‌های روانی، اخلاقی و اجتماعی دارد.

این دو فرایند، نقشی بنیادی در مدیریت کودک و نوجوان دارد و کار گسترده بر روی آن‌ها می‌تواند از بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری کند. برای شما عزیزان سالی سرشار از موفقیت، رشد و نزدیکی به خداوند متعال را آرزومندم.

سردبیر